

مدح و مرثی اهل بیت (ع) از منظر شهید سید اسماعیل بلخی (ره)

□ محمد جمعه کریمی *

چکیده

شعرای دینی و مذهبی هر کدام به مناسبت های در باره ائمه اطهار (ع) مدح و مرثیه ی دارند؛ از آن جمله علامه سید اسماعیل بلخی بود که اشعار و سخنان این شخصیت برجسته مملو از مدح و مرثیه اهل بیت (ع) می باشد؛ چون وی اول از همه یک عالم دینی و کارشناس اسلامی و مرثیه خوان مجالس ائمه اطهار (ع) بودند و سرسفره ی خاندان عصمت و طهارت بزرگ شده بود. در ابتدا شخصی رسول خدا (ص) را مدح نموده است و سپس در باره علی (ع) و حضرت زهرا (س) مدایح زیبایی دارد و در باره میلاد این خاندان اشعار ناب و در مصائب این خاندان اشعار جانسوزی دارد. در سوک رسول خدا (ص) و علی (ع) و فاطمه زهرا (س) که مردم ازدوری آنان، مصائب دردناک را متحمل می شود؛ در اشعارشان یاد می کند. ماجرای عاشورا را به اشعار ناب و پر نغز خویش به زیبایی خاص به تصویر کشیده است. در باره تک تک افراد موجود در روز عاشورا مرثیه ی دارد. مصائب علی اکبر (ع)، علی اصغر (ع)، حضرت ابوالفضل و در باره باقی یاران فداکار حضرت، مدح و مرثیه ی دارد. **واژگاہ کلید:** اهل بیت، مدح، مرثیه، شعر و بلخی.

مقدمه

بارجوع به آثار موجود از بلخی در قالب اشعار و سخنرانی‌ها می‌توان گفت وی از تاریخ، سیره و مقامات اهل بیت (ع) شناخت نسبتاً خوبی داشته است؛ زیرا وی قبل از هر چیزی توانسته به مرقد‌های منور اهل بیت (ع) به همراه پدرش مشرف گردد و سال‌ها در کنار مضجع شریف علی بن موسی الرضا (ع) رحل‌اقامت افکنده و از عالمان دینی بزرگ در این مکان ملکوتی بهره‌مند گردیده است.

از همه مهمتر وی در فعالیت‌های سیاسی خود همواره به مولا و مقتدایش حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) اقتدا کرده و این چیزی است که در گفتار و اشعارش پیداست. سخنرانی‌های موجود از او گویای وقایع تاریخی در مورد پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار بوده است. بلخی مثل سایر شعرای توانمندی بود و در مورد اهل بیت (ع) و عاشورا شعر مدح و مرثیه‌ی دارند، دقت نظرهای فراوان در اشعارش نسبت به اهل بیت (ع) داشته است.

با توجه به آنچه در مورد شهید بلخی گفته شد با قطع نظر از اشعار سروده شده توسط وی که امروز یک سوّم آن نیز به دست ما نرسیده. بلخی در اشعار خویش اهل بیت پیامبر اکرم (ص) را مدح و ثناء نموده است. مرثیه‌سرایان بلخی، در مظلومیت اهل بیت (ع) علی‌الخصوص عاشورا، جانسور و عمیق است.

در این پژوهش، علامه سید اسماعیل بلخی نسبت به اهل بیت عصمت و طهارت مدح و مرثیه‌ی زیبای دارد که هرکدام را به زیبایی تمام تعریف توصیف نموده است و به مناسبت‌های مختلف ائمه اطهار (ع) مدح و ثنا گفته است و اشعار جانسور وی در باره قیام امام حسین (ع) و یاران و فرزندان و زن‌های خیام بویژه زینت کبری (ع) اشعاری چند سروده است.

مدح در لغت

مدح در لغت به معنی ستایش کردن و ستودن خصلت‌ها و صفات نیک کسی است. شخصی را با صفات زیبای که در وی وجود داشت در قالب اشعار بیان می‌کردند.

مدح در اصطلاح

مدح در اصطلاح به معنی ستایش است که شاعر از ممدوح خود ستایش می کند و ضمن آن سجایای اخلاقی وی را بر می شمرد و از رفتار و موفقیت های او تمجید می کند و زبان به بزرگ داشت او می گشاید. واقعیت موجود در اشخاص را بیان می کند.

مرثیه در لغت

مرثیه در لغت، به معنی مرده ستایی و گریه کردن بر مرده و ذکر نیکی های او و همچنین شعر گفتن در باب مرده با اظهار تأسف است.

مرثیه در اصطلاح

در اصطلاح «مرثیه»: مرده ستایی، عزاداری، شرح محامد و اوصاف مرده، چکامه ای که در عزای از دست رفته ای سرایند، در عزای کسی شعر سرودن، گریستن بر مرده و برشمردن و ذکر محاسن وی، سوگواری و ...

۱. مدح و ثنای اهل البیت (ع)

در این بخش کوتاه به مدح و ثنای بلخی که در مورد پیامبر (ص) و اهل بیت (س) سروده، اشاره می گیرد.

۱-۱. مدح پیامبر اکرم (ص)

از میان اشعار موجود علامه بلخی (ره) دو یا سه غزل اختصاصاً در وصف پیامبر اکرم (ص) می باشد که از میان همه آنها به غزلی که وی به مناسبت میلاد با سعادت حضرت محمد مصطفی (ص) سروده در اینجا اشاره می گردد.

گیتی شده پر نور ز میلاد محمد (ص) توحید بود مکتب آن مرشد کامل

هرگز به بیابان جهالت نشود گم

دیگر نکند شکوه ز بیداد گری ها

بتخانه خراب آمد و بت گشت نگون سار

بر غربت دین بر شود از تربت یثرب

در دام هوس بسته نماند دل آن کو

«بلخی» نسزد ورد دگر پیرو او را

ایجاد دو کون است ز ایجاد محمد(ص)

جز حق نبود هیچ کس استاد محمد(ص)

آن را که نصیب است از ارشاد محمد(ص)

هر کو خبری یافته از داد محمد(ص)

شد پیرو آتشکده منقار محمد(ص)

هر لحظه به حق ناله و فریاد محمد(ص)

شد با خبر از مشرب آزاد محمد(ص)

قرآن عظیم آمده اوراد محمد(ص) (بلخی، ص ۷۶)

شهید بلخی طی یک سخنرانی (۱۳۴۶ش) در توصیف رسول اکرم(ص) می پردازد؛ چنانکه خودش گفته است: «وقتی که شرح زندگی حضرت محمد(ص) را مورد بررسی قرار می دهیم، گذشت ها، رأفت ها، شجاعت ها، انصاف ها، ایثارها و ... جز به خود آن حضرت به دیگری نسبت داده نمی شود. هنگامی این چراغ بر شبستان تاریخ و سرد جهان آویخته که دنیا در ظلمت متراکمی [فرورفته بود] و سال ها پس از آن تیرگی را بر فراز اروپا می بینیم که جنگ های صلیبی نشان مختصر آن است. قرون بعدی به ما حکایت کرد که چگونه انسان در تشعشع تمدن با سرانگشت خودخواهی چشم هم نوع خود را کند. امروز می بینم آن عده ای که خود را مشعل افروز تمدن می نامند می نگریم که حقوق سیاهان و سفیدها را برابر نمی دانند و ملل ناتوان را در خور بندگی خود می شمارند. در آن عصر تاریک که انسان های زبون بودند که جز شهوت رانی و ریزش خون و زنجیر اسارات بر دست و پای بینوایان مرامی نداشتند اسلام پرافتخار آراء و عقول

بشر را از قید اسارت «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکر مکم عند الله اتقاکم» (حجرات، ۳۱) «نجات بخشید.» (بلخی، ۱۵۲) آزاد کرد.

۱-۲. مدح غدیر و مولا علی (ع)

در میان آثار موجود از شهید بلخی (ره) اعم از سخنرانی‌ها و اشعار وی حضرت علی (ع) جایگاه مهمی را در افکار و اندیشه بلخی دارد؛ زیرا علاوه بر مدح و ثناء نسبت به حضرت علی (ع) به مسئله غدیر نیز پرداخته است و کمال دین را از غدیر خم دانسته و معیار اساسی فطرت انسان را ولایت دانسته که بسیاری از این معیار نتوانستند سلامت بگذرند، بلکه محک مردان از غدیر خم شروع گردیده است.

دین خدای راست کمال از غدیر خم
معیار فطرت است ولایت به رشد و غی
بر اسم اعظم است مسماي اعظمي
بی پرچم و لاش چو ایمان بدی محال
عید است و خرّمی است در این جشن با شکوه یعنی که بدر گشت هلال از غدیر خم
آری محک شدند رجال از غدیر خم
نام علی (ع) گرفت مال از غدیر خم
یکباره رخت بست محال از غدیر خم
«بلخی» ضرور گشت مقال از غدیر خم (بلخی، ۸۴)

شهید بلخی در یکی از سخنرانی‌های خود تحت عنوان عدالت اجتماعی (۱۳۴۶ هـ ش) که مصداق واقعی آن را در وجود مبارک مولا علی (ع) دانسته و سیره‌های مختلف زندگی مولا را تبیین و تشریح کرده است. وی حکومت حضرت را با حاکمان و حکومت‌های دیگر مقایسه کرده است و حکومت حضرت علی (ع) را در موارد مختلف از جمله شیوه حکومت و نوع حکومت داری و والیان و حاکمان زیر دست حضرت علی و دستگیری از ضعیفان و بیچارگان و یتیمان، برخورد مساوی با همگان و توزیع بیت المال به صورت مساوی میان هم‌همی مردم را از

مهمترین مسائل در مصداق واقعی عدالت اجتماعی در شخصیت و حکومت عادلانه حضرت علی دانسته است. (بلخی، منبرآزادی، ۱۶۸)

۱-۳. مدح حضرت زهرا(س)

در میان سخنان شهید بلخی(ره) به مسائل فراوان تاریخی در مورد حضرت زهرا(ص) اشاره شده است؛ ولی چند شعر مربوط به حضرت زهرا(س) سروده که مراثی و ذکر مصیبت آن بی بی دو عالم می باشد. شهید بلخی(ره) با وجود اینکه زیستش در زمانی بوده که اکثریت جامعه افغانستان را مذهب‌یون تشکیل می دادند، آنها نسبت به حقوق زن بسیار سستی می اندیشیدند و برای عالمان حقوق سیاسی و اجتماعی زنان کمتر مطرح بود.

اما شهید بلخی با وجود اینکه یک عالم مذهبی بوده، خودش را طرفدار حقوق و نهضت آزادی زنان می دانسته اما نه به معنی آزادی که امروزه بین فیمینیست‌ها مطرح است؛ بلکه او چنانکه خودش گفته «من طرفدار نهضت نسوان هستم» من طرفدار و جانبدار آزادی با علم و دانش شما هستم.

اما آزادی که شهید بلخی برای زنان قائل بود در قالب خاصی بوده زیرا وی در مورد زن ارزش های وجودی و خانوادگی و اجتماعی سیاسی مطرح می کند و نهضت نسوان را مطابق با ارزش های اصیل دینی که حضرت فاطمه(س) و حضرت زینب(س) دارای آن ارزش ها بوده می پذیرد.

وی شخصیت حضرت زهرا(س) را دارای ارزش و کرامت نفسانی بالاتر از مردان و زنان و دیگران می داند و در مورد قداست وجودی آن دخت پاک پیامبر(ص) چنین می سراید:

ای معجز تو پرده اسرار کائنات

دیگر هر آن چه هست همه فرع و اصل

اسرار غیب عکس ظهور تو را صفات

هرگز ز قدر اصل نکاهد تفرعات.

(بلخی، رهبرآزادی، ص ۱۸۹)

شهید بلخی که نهضت نسوان را پذیرا بوده برای آن نمونه‌هایی از بهترین زنان تاریخ را در اشعار و سخنان خود به عنوان پیشوا و الگویی قابل احترام یاد می‌کند. از میان آنها می‌توان به حضرت حوّا، ام‌البشر، بلقیس ملکه سبا، حضرت خدیجه، ام المؤمنین ام سلمه، حضرت زینب و از همه مهمتر حضرت فاطمه زهراء (س) اشاره نمود.

شخصیت حضرت زهرا (س) بقدری نزد شهید بلخی مهم است که در یکی از سخنرانی‌های خود تحت عنوان «علل عقب ماندگی ما و در جستجوی راه عقلانی» که آن را بعد از آزادی از زندان در سال ۱۳۴۳ ش. در شهر کابل ایراد نموده است شخصیت حضرت فاطمه زهرا (س) را نمونه والا و الگویی حقیقی برای زنان دنیا معرفی می‌کند و زنان جامعه را به پیروی از حضرت زهرا (س) تشویق می‌نماید. چنانکه خود وی گفته: «همشیره‌ها این را باید به شما گفت که شما هم عضو مفید جامعه‌اید و عضو باطل و بیهوده نیستید. اگر ما به حق شما قایل هستیم اگر می‌خواهیم نهضت نسوانی را طرفداری کنیم ولی جنبه‌های اخلاقی شما را هم تهیه و تعدیل می‌کنیم. ببینید که حضرت فاطمه چه درسی به شما داده است.

دوری از خواسته‌های بی‌جا، بی‌مورد و بی‌اساس که اساس بر مادیات استوار است. پس چه می‌گویند: آن زن آن دختر و یا آن خواهری به مردان خویش که برو اگر مال دزدی می‌آوری یا رشوت و خون جامعه می‌آوری بیاور. مقصد برای من لباس مدرن است. تمام فسادها از همین عدم قناعت است. همین تخریب کردن کور کورانه، مدپرستی‌های کنونی است که جامعه را به فقر و بینوایی گرفتار کرده است.» (بلخی، منبر آزادی، ص ۱۹)

۱-۴. مدح حضرت أباعبدالله الحسین (ع)

از میان امامان اهل بیت (ع) در آثار موجود از بلخی بیشترین مدح و ثناء و بررسی شخصیت در مورد امام حسین (ع) است. زیرا بلخی چه در سخنرانی‌ها یا اشعارش شخصیت امام حسین (ع) و اهداف و عاشورایش را مطرح کرده و یا به شعر درآورده است و از میان اشعار شهید بلخی می‌توان به قصیده‌ای طولانی، ۷۲ بیتی او اشاره کرد که در آن به مدح و تحلیل فلسفی و عرفانی

شخصیت امام حسین (ع) و نهضت عاشورا پرداخته است. برای نمونه به چند بیت از این قصیده اشاره می‌گردد.

به عشق دلبر مشهور گشته‌ام بد نام
ز شوق باده سرشار عشق او مستم
اگر چه عده‌ای از سالکان مسلک عشق
همه حدّ ثنایش سر ادب در پیش
دمی تفقّد حال خلیل آزر کرد
مسیح اگر چه به آغاز کار شد بر دار
امور ماضی و مستقبل و وظایف حال
غرض که جمله دلدادگان آن دلدار
چنان که شهرة آفاقم و زبانزد عام
که خارزار جهان می‌نمایدم گلفام
سروده‌اند به وصفش سخن چه پخته یا خام
«صفی»، «شباب»، «وفائی»، «وصال» و «ابن حسام»
بر او مر آتش نمرود کرد برد و سلام
ولی ز لطف حسین یافت رفعت فرجام
به اختیار جنابش سپرده‌اند زمام
بگفته‌اند به مدحش کلام از این اقسام
(بلخی، دیوان، ص ۱۷۷)

۱-۵. مدح امام موسی بن جعفر (ع)

شهید بلخی (ره) در غزلی امام موسی کاظم (ع) را مدح کرده که با در نظر گرفتن شخصیت و نقش آن حضرت در پیمودن و ادامه دادن راه امامت برجستگی‌هایی از صبر، مقاومت و تحمل

مشکلات زندان نشینی و ... آن حضرت توصیف نموده است و صفات اخلاقی و سیره عملی آن امام همام را بیان داشته است. در این غزل شهید بلخی زندان نشینی امام کاظم (ع) را با توجه به وظیفه امامت آن حضرت تفسیر نموده است و صبر و تحمل و قبول درد و شکنجه را بهتر از زیر بار ظلم رفتن و کنار گذاشتن غیرت و همّت از جانب آن امام مظلوم معرفی نموده است. چنانکه اصل این غزل چنین می باشد:

قضا برید، قدر دوخت، جامه از بر زندان
به خاک پر نم این تنگنا مبین به حقارت
جهان تمام چو زندان و لیک داور او
که بود داور و رهبر امام موسی کاظم
گذشت عمری و جوشی نمود قلزم وحدت
که زیب قامت مرد است خلعت بر زندان
چو بوی مرد دهد تربت معطر زندان
بیا رویم و پیرسیم حال داور زندان
ز دست ساقی مطلق گرفت ساغر زندان
عیان به خلق نماید یگانه گوهر زندان
(بلخی، دیوان، ص ۳۹۰)

۱-۶. مدح حضرت صاحب الأمر (عج)

از میان اشعار مدحی موجود از شهید بلخی تعداد قابل توجهی در مورد حضرت ولیعصر (عج) می باشد که در موضوعات مختلف از جمله ولادت امام زمان (عج) و در فراق آن امام همام (عج) و اوصاف حضرتش سروده شده است. «کعبه جانان» شعریست که در قالب غزل سروده شده و مدح امام دوازدهم در این غزل چنین می باشد.
در کوی خرابات که شاه هست و گدا هست
دادیم به ره توزر و مال و سر و جان را

رضوانم اگر جانب فردوس بخواند
شد روشنم از صحبت رندان قدح نوش
هر کس که بود راهرو کعبه جانان
از بهر ذبیح آر که یکی ذیح فدا شد
مگذار که با هجر تو میرم دم مردن
«بلخی» مخور از کثرت عصیان غم فردا
هر گه که روم جان من بی سر و پا هست
زنهار مکن ترک وفا تا دل ما هست
حاشا که روم تا به سر کوی تو جا هست
کز کوی خرابات رهی سوی خدا هست
خود قبله و چشم سیهت راهنما هست
هفتاد و دو تن در ره حق از تو فدا هست
آن لحظه بیا چون که مرا چشم به راه است
گر خوف عذاب است ولی باز رجا هست
(بلخی، رهبر آزادی، ص ۱۷۹)

شهید بلخی در این اشعار با مدح و توصیف امام عصر (عج) وی را عین کعبه دانسته و خویش را در لحظه مرگ امیدوار دیدار مولایش می داند.

۲. مرثیه اهل بیت (ع) در اشعار بلخی

۲-۱. تنای پیامبر اکرم (ص)

شهید بلخی غزلی به مناسبت وفات حضرت رسول اکرم (ص) سروده و در آن وضعیت اسفناک دین و دینداران را با نبود و فقدان رسول الله (ص) مطرح نموده و با باز نمودن دفتر دل شرح هجرت حضرت رسول (ص) و تطمیع و استهزاء ناکسان را به دین آن سرور عالمیان بیان نموده

است. حادثه کربلاء حکایتی است که بلخی آن را سوغات ناکسان بعد از پیامبر (ص) معرفی نموده و نتایج این هتک حرمت عظیم را با رسول الله (ص) حکایت نموده است و رنج فراوان از غیبت مولایش حضرت صاحب العصر (عج) حکایت دیگری است که آن را وی در سوگ رسول الله و در نبودش با آن حضرت درد دل کرده چنانکه اصل این اشعار چنین می باشد:

پر فتنه شد تمام جهان، وامحمد (ص)
معروف گشت، منکر و منکر، رواج یافت
تحقیر دین کنند و تمسخر به اهل شرع
ارباب پند و وعظ، زبیداد اهل جور
رسم عبادتی، به مساجد، نمانده است
تا کی به راه مهدی موعود منتظر (عج)
بر کشتگان، ز آل تو در دشت کربلا
آیا به قتلگاه، ندیدی تو، بر حسین (ع)
ز آن آتشی که سوخت، خیام حسین (ع)
بر شد شرار و دود، چو از آن حریم قدس
زان بوستان که داد همی، آب جبرئیل
با زینبش چو خواست، رود نامه تا به شام
شد چیره ناکسان، به کسان، وامحمد (ص)
گویا به کام بسته، زبان وامحمد (ص)
تا جز گاه گاه، بانگ اذان، وامحمد (ص)
وز عدل و داد، نیست نشان، وامحمد (ص)
زین آخر الزمانه، امان، وامحمد (ص)
تا چند او، ز ماست نهان، وامحمد (ص)
تا کی، بنا کنیم فغان؟ وامحمد (ص)
بر سینه اش، که داشت مکان؟ وامحمد (ص)

از آن آتش فتاده ایم به جان وامحمد(ص)
حیران شدند، پردگیان، وامحمد(ص)
شد غنچه ها به خار دوان، وامحمد(ص)
«بلخی»! او را گرفت عنان، وامحمد(ص) (بلخی، رهبرآزادی، ص ۲۴)

۲-۲. ثنای حضرت زهرا(س)

دومین فرد از اهل بیت(ع) که در اشعار موجود از شهید بلخی مرثیه سرایی شده است حضرت زهرا(س) می باشد. شهید بلخی در غزلی به مناسبت شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) به وقایع خونبار تاریخ اشاره نموده است و برخی از فجایع مابعد سقیفه را در مظلومیت مادرش به شعر کشیده است.

ما را توان کجاست به اوصاف آن کسی
آدم ز تو به دور به حیرت فتاده بود
«بلخی» خموش باش که زهرا(س) به اشک و آه
کز فوق بام عرش، همی آیدش درود
نور جمال فاطمه اش(س) معرفت نمود
بر روضه رسول(ص) شد و راز دل گشود (همان)

۲-۳. ثنای امام حسین(ع) و دیگر شهداء اهل بیت(ع) در کربلا

شهید بلخی در سخنرانی خود تحت عنوان «علل عقب ماندگی و جستجوی راه عقلایی برای آن» در مورد علت گریستن و مرثیه سرایی برای امام حسین(ع) در جواب کسانی که طعنه می زنند به چرایی گریه نمودن و مرثیه سرایی کردن بر امام حسین(ع) می گوید: «یک عده از کسانی که کم مطالعه کرده اند، می گویند که تا کی مردم در و دیوار را سیاه پوش کرده، برای امام حسین(ع) گریه می کنند؟ جوان! بفهم که [عاشورا] برای گریه نیست، بارها عرض کرده ام که این محافل برای

گریه تأسیس نشده است. این محافل برای آنکه کسی بر سر و صورت خود بزند تهیه نگردیده است. بلکه محرم و زنده بودن آن و ... جشن خون است و خون ریزی، ایثار و فداکاری، استقامت، حق گرفتن از بیدادگر و موقعیت ندادن به ظالم و نظام استبدادی است؛ لذا هیچ مکتبی را مردم اینطور با خلوص نیت مورد قدردانی قرار نداده است و در هیچ جشنی مردم از روی خوشی و عشق و علاقه نمی روند که برای زنده ماندن آن بر سر خاک و گل بنشینند و یا ساعت ها سرپای خود ایستاده شود، یک حقیقت هم زیر پرده هست. «(بلخی، دیوان، ص ۲۰۴) که آن حقیقت هر کسی نمی داند.

با نگاهی به یکی از غزلیات شهید بلخی (ره) به گوشه هایی از مرثیه سرایی وی به مظلومیت

أبا عبدالله الحسین (ع) پی می بریم.

سرچشمه هر آب، لبش تشنه آب است

لب تشنه، لب آب روان سخت عجیب است

جسمی که در آغوش نبی بود مکانش

چشمم ز غمش شب همه شب دجله آب است

بی یآوری از شاه جهان سخت عجاب است

صد چاک فتاده ز جفا روی تراب است (بلخی، دیوان، ص ۲۰۴)

به گفته بلخی، زینب (س) و زین العابدین بیمار (ع) أبا الفضل العباس (ع) علی اکبر و علی اصغر (ع)، قاسم (ع) و عبدالله (ع) ستارگانی هستند که در آسمان گرفته عاشورا، سرخ می درخشند و این ها اعضای برجسته کابینه عاشورایند که بلخی در وصف مظلومیت هر یک از این ستارگان سرخ مرثیه سرایی نموده است. (آوای بلخی، ص ۴۴)

۲-۴. ثنای امام سجاد(ع) و حضرت زینب(س) در روز عاشورا

بلخی، در ابیاتی که ماجرای دیدار یعنی زینب (س) را با بدن بی سر برادر به تصویر می-کشد و نگاه جانسوز حضرت امام زین العابدین با بدن خون آلود پدرش (امام حسین ع) را چنین می سراید.

آه از دمی که حضرت زین العباد دید
یا رب چه حال داشت که آن سان خروش شد
این دشت و این حسین و نعش اکبرش
بر روی خاک گرم، تن مستطاب تو
از زینب مقدّسه نایب مناب تو
مائیم در رکاب ظفر انتخاب تو
(بلخی، دیوان، ص ۴۵)

۲-۵. ثنای حضرت عباس(ع)

ماجرای آب آوردن حضرت اباالفضل عباس(ع) را به تصویر می کشد.
گرفت به کف مشک، روان گشت که سازد
آبی به کف آورد و به لب سوخت، چو آورد
رفع عطش از پردگیان، حضرت عباس(ع)
یاد جگر لاله رخان، حضرت عباس(ع) (بلخی، رهبرآزادی، ص ۱۴)

۲-۶. ثنای حضرت علی اکبر(ع) و علی اصغر(ع)

واقعه جانسوز شهادت فرزندان امام حسین(ع)، علی اکبر و علی اصغر را مرثیه سرایی می کند.
نالید بوالبشر ز جفای نژاد خویش
اصغر ز قحط آب پیکان مکید شیر

آن دم که گشت اکبر گلگون کفن قبا شهید
درسی عجیب داد از این ماجرا شهید
(همان، ص ۲۹۸)

۲-۷. ثنای حضرت قاسم (ع) و عبدالله (ع)

بلخی، واقعه به میدان رفتن حضرت قاسم (ع) فرزند امام حسن مجتبی (ع) و خدا حافظی زنان
حرم با ناله های جانسوزشان او را بدرقه کردند، چنین به تصویر کشیده است:
چو گردیدی روان آن شاخ شمشاد
بر آمد از زنان غوغا و فریاد
بگفتا داد و واویلا ز بیداد
برای کشته گشتن با دل شاد
برایش کرد «بلخی» شعر انشاد
برفت از دست آن ناشاد داماد (بلخی، رهبر آزادی، ص ۱۵۸)

۲-۸. ثنای امام موسی کاظم (ع)

یکی از امامان معصوم (ع) که خیلی مورد آزار و اذیت خلفای عباسی قرار گرفت، امام موسی بن
جعفر (ع) امام هفتم (ع) می باشد. سال ها دوری از خانواده، سال ها حقارت در زندان و شکنجه
های سنگین از دوره های زندگی آن امام مظلوم بوده است.
شهید بلخی زندان نشینی و شکنجه شدن این امام مظلوم را در زندان های هارون الرشید این گونه
سروده است.

کسی نماند به زندان مثال موسی کاظم (ع)
امام هفتم و سبط رسول (ص) حجت بر حق
همین بس است که گویم ظلمت ز شرح زندان

به جز خدای نداند ملال موسی کاظم (ع)
جهان نوال گرفت از نوال موسی کاظم (ع)
به شب گذشت همه ماه سال موسی کاظم (ع)
(بلخی، دیوا، ص ۳۶۸)

۲-۹. ثنای در غیبت امام عصر (عج)

در میان اشعار موجود از شهید بلخی تعداد قابل توجهی در مدح و ثناء و مرثیه های فراق از امام زمان (عج) و مشکلات مسلمانان مخصوصاً شیعیان در عصر غیبت سروده شده است. بلخی در تمام مرثیه سرائی هایش در فراق و غیبت امام عصر (عج) مثل هر منتظر دلسوخته ای در پی انتظار مولا و آقایش حضرت صاحب الامر (عج) است و رنج دوری او و ظلم و جور ظالمان ستمگر بر انسان های بی نوا و پایمال شدن شریعت محمدی (ص) و خون اهل بیت (ع) دردهایی است که شهید بلخی اینها را در سوگ جدایی و فراق از امام زمان سروده است و از امام زمان (عج) تقاضای قیام و خواهان گرفتن انتقام خون اهل بیت (ع) و شهدا کربلا و اقامه دین و شریعت و قرآن می باشد.

ای غایب از نظر شده، یا صاحب الزّمان!
ای مهدی ای که از تو جدا هادیان خلق
«بلخی» ز طول غیبت و از دوری تو اش
خورشید منتظر شده، یا صاحب الزّمان!
چون نخل بی ثمر شده، یا صاحب الزّمان!
دامن ز اشک تر شده، یا صاحب الزّمان!
(همان، ص ۳۹۸)

شهید بلخی در این اشعار غیبت امام زمان (عج) را درد بسیار بزرگ بر پیکر اسلام و مسلمانان بیان کرده و وضعیت آخر الزمان را با تمام مصادیق آن توصیف کرده و مشکلات موجود با فقدان

امام زمان را در این عصر با پایمال شدن احکام، و غربت قرآن و غلبه نمودن منکرات بر معروف، و تنگ شدن عرصه زندگی برای مؤمنان با نبودن امام زمان (عج) و طولانی شدن غیبت آن حضرت (ع) را بیان نموده است.

۳. قیام عاشورا در از اشعار بلخی

اگر در اشعار عاشورایی بلخی نظر اندازیم، به این نتیجه می‌رسیم که بلخی عاشورا را نسبتاً با ابعاد آن در اشعارش جای داده است. زیرا وی در این اشعار تعبیرات مختلف حماسی از جمله خون، قیام، حماسه، و نهضت سیاسی و اجتماعی به کار برده است. (همان، ص ۳۹)

اشعار و سخنان شهید بلخی را در مورد امام حسین (ع) و نهضت و مکتب جاویدانی او می‌توان به دو بخش تقسیم کرد. یکی نهضت کربلا و عاشورا و ابعاد آن و دیگر شخصیت‌های عاشورا:

۳-۱. نهضت کربلای حسینی (ع) و ابعاد آن

در این بخش علامه بلخی (ره) در اشعار و سخنان خود چندین مسئله را مطرح نموده که مهمترین آن‌ها را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود.

۳-۲. کربلا و ماهیت آن

بلخی (ره) در مورد تأسیس کربلا و ماهیت آن در یکی از غزل‌های زیبایش که در واقع استقبال از ترجیع‌بند محتشم کاشانی است، حقیقت و ماهیت قیام کربلا را به طور واضح ترسیم نموده است.

تأسیس کربلا نه فقط بهر ماتم است

بلخی خموش باش که تعریف موج و یم

دانشسرای مکتب اولاد آدم است

بیرون ز حدّ وصف و توانای شبنم است.

(بلخی، دیوان، ص ۲۱۸)

علامه بلخی در غزل فوق علت تأسیس نهضت حضرت أباعبدالله الحسین(ع) را با ابعاد آن بیان نموده و حقیقت نهضت کربلا را برخلاف آنچه عوام و یا سطحی نگران بر حادثه کربلا می نگرند و ی فراتر از آن می داند و آن را به دانشگاهی برای تعلیم کنندگان راه حقیقت تعبیر می نماید و شهادت، ایثار و جانبازی و هدف درس آموزی و اسارت در راه دین را از جانب امام حسین و یاران و فرزندان حضرت تفسیر می نمایند.

۳-۳. اهداف امام حسین(ع) از ایجاد نهضت کربلا

یکی از مباحثی که در نهضت و قیام حسینی(ع) مطرح و خیلی مهم می باشد هدف از قیام امام حسین(ع) می باشد. عالمان شیعه در مورد این مسئله علل و اهداف مختلف را ذکر نموده اند: «إني لم أخرج أشراً ولا بطراً ولا مفسداً ولا ظالماً وإنما خرجت لطلب الإصلاح في أمة جدي و...»

من از روی خودپسندی و گردن کشی و فساد و بیدادگری قیام نکرده ام؛ بلکه برای اصلاح امت جدّم و شیعه پدرم علی بن ابیطالب(ع) حرکت کردم.»

هر کس دعوت مرا بپذیرد پس سر و کارش با خدا است؛ چه آنکه حق از آن خدا است و هر کسی دعوت مرا رد کند شکیبایی می نمایم تا خداوند میان من و این گروه به حق داوری کند و او بهترین داور است. (اشتهاردی، ص ۱۹۹)

بنابراین وصیت، قیام حضرت بر اساس بدست گیری حکومت، جهت انجام ظلم و جور و فساد و بیدادگری نبوده بلکه حرکت حضرت جهت اصلاح و عمل به سنت و سیره پیامبر اکرم(ص) و حضرت علی(ع) بوده است.

در دشت عراق آمد چون رهبر آزادی

با رمز تبسم فاش می گفت به هر گامی

از جوشش خون اوست در آب و گل «بلخی»

آزاد توان بردن ره در بر آزادی

امضای من از خون است بر دفتر آزادی
شور و شر آزادی تا محشر آزادی (بلخی، رهبر آزادی، ص ۱۳۰)

۳-۴. نقش امام سجّاد (ع) و حضرت زینب (س) در موفقیت نهضت کربلا

شهید بلخی در تمام اشعار عاشورایی خود از نقش و جایگاه امام سجّاد (ع) و حضرت زینب کبری (س) غافل نبوده و نقش حضرت زینب (س) و امام سجّاد (ع) را در این نهضت بزرگ به طور شفاف و روشن تبیین نموده است. برای نمونه می‌توان به اشعار زیر اشاره نمود:

بسته شد در غل و زنجیر چرا زین عباد

عشق بی تاب شد آنگاه که زینب می گفت

معلوم شد ز بهر ملل آن مرام پاک

تا دگر مردم آزاد نیفتند به دام

خیز ای قافله سالار که رفتیم به شام (بلخی، دیوان، ص ۳۵۴)

زان خطبه ای که خواند عیان زینب حسین (همان)

شهید بلخی علاوه بر اینکه مصیبت های وارده از نهضت کربلائی امام حسین (ع) بر امام سجّاد (ع) و حضرت زینب (س) و نقش این دو بزرگوار را در ادامه دادن راه امام حسین (ع) علی الخصوص حضرت زینب در حفظ و دفاع از امام سجّاد (ع) و سرپرستی کودکان و زنان حرم را در گوشه هایی از سخنان خود بیان کرده است.

شهید بلخی در سخنرانی «وحدت و تعالی» خود که آن را در نجف اشرف ایراد نموده است. گفته «هفتاد و دو کس پرچم ابدیت را زدند. همان بیماری که پوست گوسفند را از زیر پایش کشیدند. شمر آمد گریبانش را گرفت که تو چرا زنده ای؟ تو چرا و برای چه نفس می کشی تا خنجر را کشید همّت حضرت زینب (س) گردن خود را برابر گردن زین العابدین (ع) گرفت و گفت اول مرا بکش بعد یادگار نبوت و ولایت را شهید کن.» (بلخی، ص ۱۵۴)

۳-۵. نتایج نهضت کربلا

شهید بلخی با دید وسیعی که نسبت به حضرت أباعبدالله الحسین(ع) و حادثه خون بار کربلا داشته با در نظر گرفتن ابعاد مختلف آن نتایج این نهضت عظیم را با خطاب به مولایش سرور و سالار شهیدان(ع) این گونه بیان داشته است:

ای که در کرب و بلا کرب بلا پاشیدی

در ره عشق کسی چون تو ز هستی نگذشت

رنگ خون تو هنوز از گل «بلخی» پیداست

جان فدای تو که این تخم به جا پاشیدی

بذر توحید ز خون شهدا پاشیدی

من چه گویم که در این خاک چه ها پاشیدی (بلخی، دیوان، ص ۴۳۹)

خلاصه این مسئله را از ظاهر کلام شهید بلخی این گونه می توان گفت که امام حسین(ع) با نهضت عظیم خود به دنیا درس آزادگی و دینداری را داد و در این راه وی از خود و فرزندان و یاران گذشت تا دین و ایمان زنده بماند و هدف خود را با این جان نثاری تحقق بخشید.

۳-۶. الهام گیری های نهضت ها از نهضت امام حسین(ع)

بلخی، چگونگی الهام گیری نهضت ها از نهضت امام حسین(ع) و پیاده کردن اهداف آن حضرت و درس گرفتن نهضت ها از قیام حضرت که یگانه آرزوی دیرینه امام حسین(ع) است، به زیبایی تحلیل می کند. وی چنین می گوید:

«... این تحوّل آرزو و مرام مردانه امام حسین(ع) را تکامل بخشید. حسین(ع) را حسینی ساخت که امروز دنیا را به حیرت آورده؛ و لرزانده است. حسین را حسینی ساخته است که امروز خدا و پیامبر(ص) منکر ندارد. امروز هر منکری از مردی حسین(ع) منکر نیست. هر دانشمندی سر تعظیمش به آستان حسین(ع) خم است و هر مردی مجبور است خوشه ای از مردی حسین(ع) بچیند. روزگاری که گاندي مبارزه می کرد برای استقلال و استخلاص هند، برای آزادی هند

بریتانوی در یکی از خطابه های خود می گوید ملت هند حسین گونه خیمه و خرگاه آرزو را بسوزانید. حسین گونه ناموس به اسیری بدهید. مملکت خود را آزاد کنید. این درس بزرگ را امام حسین (ع) به جهان داده است. این درس آزادی را امام حسین (ع) به جهان آموخت. «همان، (۲۱۳)

علاوه بر این سخنان، در اشعار عاشورایی بلخی نیز کماکان در مواردی به این مسئله اشاره دارد و نهضت و شخصیت حضرت اباعبدالله الحسین (ع) را پیشوای آزادگان و نهضت ها و خود و نهضت خویش دانسته است.

دانی که در جهان که بود اقرب حسین
صعب است بار عشق کشیدن به هر طریق
آزاد شوز قید تعلق که خوانده اند
«بلخی» سحرگهی است به زندان نیاز کن
هر کو شعار خویش کند منصب حسین
نازم به رهروان ره اصعب حسین
آزادگان ز پرچم خون منصب حسین
یارب مرا ببخش به امّ و اب حسین (بلخی، دیوان، ص ۴۰۲)

۴. شخصیت های عاشورایی

از آنچه که تاکنون در مورد نهضت امام حسین (ع) در اشعار و سخنان شهید بلخی بیان گردید شخصیت امام حسین (ع) نیز معلوم شد. زیرا بلخی امام حسین (ع) را هسته عاشورا دانسته و نهضت امام حسین (ع) را برخاسته از شخصیت وی می داند. لذا امام حسین (ع) شخصیت اصلی نهضت عاشورا می باشد.

۴-۱. امام سجّاد(ع) و حضرت زینب(س)

چنانکه قبلاً اشاره گردید، از دید بلخی، حضرت امام زین العابدین(ع) و حضرت زینب(س) در نهضت عاشورا نقش چشم گیری داشته اند؛ زیرا بقای امامت با زحمات حضرت زینب و امام سجّاد(ع) بوده و پیام عاشورا از طریق امام سجّاد و حضرت زینب به دیگران رسیده است. شهید بلخی در یکی از سخنرانی هایش تحت عنوان «ترکیب و تمدن اسلامی» که آن را در سال ۱۳۴۶ ش. در نجف اشرف ایراد نموده است، در مدح حضرت زینب(س) را در روز عاشورا و نقش او و تحمل مصیبت های وارده در روز عاشورا را بر زینب کبری(س) چنین گفته است:

«کربلای خارستان را خون امام حسین(ع) گلستان کرد. ما در اینجا با یک برنامه سیاسی عجیب برمی خوریم. فکر کن تنها همین عصر عاشورا را مطالعه کن. تنها با مطالعه کتاب، این موضوع تحلیل نمی شود. به گفتن ما و عاظم هم تحلیل نمی شود؛ مثلاً یک زن مگر در این هشت، نه، ده شب زینب خواب کرده است؟ نه خیر؟ خواب کی می برد یک زنی که دقیقه شماری می کند که بی برادر شوم. یک زنی که همه وقتش برای بچه ها است. در این ده شب خواب ندارد. روز عاشورا شما همین تلاطم را فکر کن که زینب گاه به خیمه امام حسین(ع) گاه به خیمه حضرت عباس(ع) گاه به دنبال حضرت علی اکبر(ع) گاه به پیش بی بی ام کلثوم(س) گاه پیش مادر قاسم(ع) گاه پیش دیگران می رود. هر سو می رود خسته هم که هست. هر کشته را که امام حسین(ع) می آورد گریه کننده اش زینب است. یاور و معین و برادرش حسین(ع) هم باید باشد. هر ساعت رفته زین العابدین(ع) را تکیه می دهد و از وی پرستاری می کند.» (بلخی، منبر آزادی، ص ۱۶۴)

۴-۲. حضرت أباالفضل العباس

شهید بلخی(ره) در اشعار عاشورایی خود شخصیت حضرت أباالفضل العباس را بسیار پررنگ مطرح کرده است و به صفات و ویژگی های شخصیتی و اخلاقی و چگونه ایثار نمودن در راه خدا و اطاعت از امام زمانش را در قالب شعر تبیین کرده است.

ایشان در مورد قمر بنی هاشم تعبیّرات مختلف از جمله رهبر حزب جوان بکار برده و او را اسوه ایثار و فداکاری معرفی می نماید و نشان و زیب نام مرد را فقط بر حضرت عباس زیبا می بیند:

آن مظهر قدرت به جهان حضرت عباس (ع)
منکر نتوان گشت که شد در صف مردی
«بلخی» ز صف کرب و بلا قالب کوثر
سر خیل همه حزب جوان حضرت عباس (ع)
غالب به همه شیردلان حضرت عباس (ع)
همّت به پدر برد نشان حضرت عباس (ع) (همان، ۱۴۰)

۳-۴. حضرت علی اکبر و علی اصغر (ع)

شهید بلخی (ره) در مدح خودش، پس از سردار و سرلشکر امام حسین (ع)، حضرت عباس (ع)، به جنابان علی اکبر و علی اصغر (ع) توجه نموده است و در میان اشعار و سخنان خود به تبیین شخصیت و اهمیت جایگاه آنها پرداخته است. اشعار عاشورایی شهید بلخی تعبیّرات و توصیفات مختلفی را در مورد حضرت علی اکبر (ع) و علی اصغر (ع) در بر دارد.

ای مبتلای عشق تو را ابتلا بلند
آه از دمی که اکبر ذبح عظیم تو
بدرید راز پرده ز عشق آن زمان که گشت
بالای نقی نقی تو بالا بلا بلند
شد از حریم کعبه به سوی منا بلند
دست ز حلق اصغر شیرین ادا بلند.
(بلخی، دیوان، ص ۲۸۴)

شهید بلخی علاوه بر اینکه در اشعار عاشورایی خود اشاراتی مختلف به حضرت علی اکبر(ع) و نقشی که او در عاشورا ایفا نموده، یک قصیده و یک مسمط نسبتاً طولانی در مورد شخصیت حضرت علی اکبر(ع) سروده که مصیبت حضرت علی اکبر را در آن بطور روشن و خیلی زیبا جای داده است. برای نمونه به چند بیت از قصیده وی در مورد حضرت علی اکبر(ع) اشاره می‌نماییم:

السلام ای شبه رخسار پیامبر(ص) السلام
زاده لیلائی و نور دو چشمان حسین(ع)
از وفا اول قتل گشتی ز اولاد خلیل(ع)
خاک غم زین ماجرا در فرق «بلخی» حزین
السلام ای نوگل بستان حیدر السلام
بحر اسرار ولایت را تو گوهر السلام
در رکاب باب خود کردی فدا سر السلام
تارقم زد ذکر این ماتم به دفتر السلام (بخی، رهبر آزادی، ص ۱۴۷)

شهید بلخی در نهضت عاشورا شخصیت جناب علی اصغر(ع) را بسیار زیبا در اشعار خود توصیف نموده است که برای نمونه به مواردی از این اشعار در مورد شخصیت عاشورایی حضرت علی اصغر(ع) اشاره می‌گردد.

غوغا ز جهان برخاست آن دم که صدا آمد
با جوهر استعداد بر نور قدم مظهر
شه بر سر دوشش برد تا محفل حق
عنقا ز حرم بگشود بال و پر آزادی
شش ماهه علی اصغر آن گوهر آزادی
اصغر تو بگو تکبیر بر منبر آزادی (بلخی، خروش آزادی، ص ۱۸۲)

از ظاهر این اشعار شهید بلخی در مورد حضرت علی اصغر (ع) می توان گفت که وی یکی از پایه های اساسی نهضت عاشورا را شهادت حضرت علی اصغر (ع) در این نهضت عظیم می داند. زیرا علی اصغر شیرخوار را با این نوع شهادت یعنی قربانی شدن در راه خدا در روز عاشورا روی دست پدر درس بزرگی برای دیگران داده است و نام او عمل و خون او در این راه ریخته است و مایه افتخار انبیاء و اولیاء می باشد.

۴-۴. حضرت قاسم (ع) و حضرت عبدالله بن امام حسن (ع)

دیگر شخصیت هایی که شهید بلخی (ره) به آن ها در اشعار خود توجه نموده است و نقش چشم گیر آن ها را در اشعارش بیان داشته فرزندان امام حسن (ع) جناب شاهزاده قاسم و حضرت عبدالله می باشد.

از زیر سم اسبان قاسم به عروسش گفت

بکف قاسم داماد حنایی عجب است

کی رود لطف تو از خاطر هر دامادی

با یاد تو خوابیدم در بستر آزادی (همان، ص ۱۸۲)

چشم آیام ندیده است چنین دامادی (بلخی، دیوان، ص ۴۳۳)

که چه سان بر کف قاسم تو حنا پاشیدی (همان، ص ۴۴۰)

بنابراین شهید بلخی (ره) یکی از جلوه های زیبای عاشورا، را در شهادت حضرت قاسم بن الحسن (ع) بیان نموده که وی در حین جوانی و در حین اینکه تازه داماد بوده است هدف اصلی خود را که جهاد زیر نظر امامش را فراموش نکرده و از جوانی و تازه دامادی خود در این راه گذشت نموده است.

یکی از مجاهدان دلیر مرد اما با هیکل بسیار کوچک که در کربلا یازده سال بیشتر نداشته است، جناب عبدالله اصغر فرزند امام حسن مجتبی (ع) بوده است. وی در روز عاشورا به هنگام بی کسی عمویش حضرت أباعبدالله الحسین (ع) در میدان جنگ با دفاع از بدن مبارک امام

حسین (ع) دست خود را از دست داده و حلقوم نازنینش توسط تیر حرمه نامرد پاره گردید. صحنه شهادت وی بسیار غم و اندوه به اهل بیت (ع) وارد نمود. (اشتهاردی، ص ۲۸۸)
شهید بلخی (ره) نیز او را در زمرة عاشوراییان برجسته حساب کرده و در وصف حادثه شهادت این مجاهد کوچک یک مثنوی سروده است که به برخی از ابیات آن که چگونگی شهید شدن عبدالله را بیان می کند، اشاره می گردد.

گفت شه کای نور چشمان عمو

بهر چه از خیمه بیرون آمدی؟ شاه و عبدالله بد اندر گفتگو

خواست سازد رأس شه شق القمر

کرد تیغش دست کودک را جدا

کای عمو جان دستم افتاد از بدن

بار دیگر آن لعین بد سیر

چون رها بنمود ظالم تیر کین

الغرض دستش به پیشانی بدوخت

طفل جان داد اندر آغوش عمو

ای به جمله درد درمان عمو

سوی این صحرای پر خون آمدی

ناگهان آمد به بالینش عدو

کرد عبدالله دست خود سپر

دست را بگرفت و بنمودی ندا

گشت پر خون در جنان قلب حسن

کرد قصد آن یتیم بی پدر

دست چپ بگرفت کودک بر جبین

بلکه عالم را از این ماتم بسوخت

«بلخیا» بس کن تو دیگر گفتگو

(بلخی، دیوان، ص ۳۵۶)

علاوه بر شهدای اهل بیت (ع) شهید بلخی از دیگر شهدای جان بر کف کربلا مثل زهیر بن قین و حر بن یزید ریاحی و وهب بن عبدالله و حبیب بن مظاهر اُسَدی نیز یاد کرده که در اینجا هدف بیان جایگاه شهداء اهل بیت (ع) بوده و توضیح و پردازش به شهداء غیر از اهل بیت در حادثه کربلا، و ابعاد مختلف دیگر از این حادثه عظیم در این تحقیق کوچک و ناقص گنجایش ندارد.

نتیجه گیری

پژوهش پیشرو درباره مدح و مراثی اهل بیت (ع) در اشعار سید اسماعیل بلخی است. در این تحقیق مدح و مراثی اهل بیت (ع) و جایگاه آن، در اشعار علامه بلخی مورد بحث بررسی قرار گرفته است:

الف) مدح رسول اکرم (ص) از همه اول، میلاد با برکت رسول اکرم (ص) آخرین هادی خداوند به روی زمین که با آمدن او جهان مملو از خیر برکت گردیده و در پرتوی وجود او جهان فرورفته در جهل و تاریکی، نورانی گردید و در سایه ی تشعشع وجود او جهان معطر گردید؛ آورده شده است.

در قدم دوم، علی (ع) یاوری یتیمان و نایب برحق رسول خدا (ص) که روز غدیر خم عنوان جانشینی حضرت ختم مرتبت را عهده دار شد. در فضل و کرم او بلخی اشعار زیبایی دارد و در ادامه حکمرانان و والیان برگزیده وی را به مراتب قویتر از والیان حکام قبل مقایسه می-کند.

در مراحل مختلف در مدح و مراثی حضرت زهرا (س) سروده است که عمق علاقه و شدت محبوبیت خویش را به حضرت زهرا (س) به نمایش می گذارد. بلخی! در دوره زندگی می-کرد که زنان در جامعه آن روزه، از حرمت و احترام خاصی برخوردار نبودند! بلخی! به نام حضرت زهرا (س) برای زنان عالم ارزش فوق العاده ی قایل بود که در سخنرانیهایش این مسئله را باربار تکرار می کند.

عشق و علاقه وافر بلخی! به امام حسین (ع) او را وادار نمود که در مورد حضرت اشعار مدح و ثناء بسراید. در سخنرانی و اشعارش به نهضت عاشورا و قیام امام حسین (ع) در مقابل باطل اشاره کرده و حضرتش را بخاطر قیام و ایستادگی در برابر باطل مورد ستایش قرار میدهد.

در مبحث دوم) در این مبحث اولتر از همه مرثیه جانسوزی در رحلت رسول اکرم (ص) سروده است که در آن عمق، درد و نگرانی امت اسلامی را بیان می کند و کسانی را که در طول زندگی با برکت اش مورد استهزا و ازیت آزار قرار داده بود، مورد نکوهش قرار میدهد. علامه! در ادامه ی مرثیه سرایی، مرثیه ی سوزناکی درباره فاطمه زهرا (س) سروده است و در آن به وقایع خونبار تاریخی که بر او گذشته است، اشاره نموده است و مظلومیت مادرش را پس از ثقیفه به شعر در آورده است.

در مبحث سوم، علامه به وقایع عاشورا اشاره دارد. به این نتیجه می رسیم که بلخی! عاشورا را نسبتا با ابعاد آن در اشعارش جا داده است؛ زیرا وی در این اشعار تعبیرات مختلف حماسی (خون، قیام، حماسه و ...) به کار برده است. هنگام که بدقت به اشعار شهید بلخی! نگاه می اندازیم وی مکتب جاویدانی امام را بدو بخش تقسیم کرده است. یکی نهضت کربلا و عاشورا و ابعاد آن و دیگری شخصیت های عاشورای است.

بلخی! در نهضت عاشورا به کربلا و ماهیت آن اشاره دارد: تأسیس کربلا نه فقط بهر ماتم است / دانشرای مکتب اولاد آدم است؛ این بیت اگر ترجمه و تفسیر شود؛ یک دنیا حرف برای گفتن دارد که در این مبحث کوتاه مجالش نیست.

اهداف امام حسین از ایجاد نهضت کربلا به خوبی بیان شده است. با توجه به اینکه علما و دانشمندان اسلامی اهداف امام را از ایجاد تأسیس نهضت کربلا، علل مختلفی را بیان کرده است و نقش شخصیت های کربلا و نقش آنان را به تصویر کشیده است.

کتابنامه

قرآن کریم

بلخی، سید اسماعیل، دیوان اشعار، بی تا.

جمعی از نویسندگان، آوای بلخی، سال اول، شماره مسلسل چهارم و پنجم، ص ۴۴ (مقاله).

حسینی، محمد، رهبر آزادی، دهکده جهانی آل محمد (ص)، قم، ۱۳۸۷ ش،

جمعی از نویسندگان، مجمع مقالات در باره شهید بلخی، بنیاد نشریاتی شهید بلخی، بی تا.

منبر آزادی، بخشی از سخنرانی‌های شهید بلخی، بی تا.

مجموعه اشعار خروش آزادی، بنیاد نشریاتی شهید بلخی، ۱۳۹۰ ش.

رزمجو، حسین، انواع ادبی، تهران: استان قدس، ۱۳۷۴.

محمدی اشتهاردی، محمد، سوگنامه آل محمد، ص ۱۹۹. بنقل از نهج الشهادت، ص ۲۶۹.

محمدی اشتهاردی، محمد، سوگنامه آل محمد، ص ۲۸۸، به نقل از معالی السبطين، ج ۱، ص ۴۶۳.

